

رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در برابر ایران؛

قاخن اسب روی لبهٔ تیغ^۱

رضا جنیدی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۲۸

صفحات مقاله: ۱۲۷ - ۱۵۹

چکیده:

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور جمهوری‌های تازه استقلال یافته‌ی آسیای مرکزی، همواره این سؤال مطرح بوده که این کشورها چه رویکردی در قبال ایران اتخاذ خواهند نمود. با توجه به نقش پایدارتر عوامل و ملاحظات ژئوپلیتیکی نسبت به سایر عوامل تعیین‌کنندهٔ رفتار عملی کشورها، هدف این مقاله ارزیابی رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در قبال جمهوری اسلامی ایران است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ترکمنستان با در نظر گرفتن تمامی فرصت‌ها و محاذیت‌های ژئوپلیتیکی خود، همواره از الگوی رفتاری محافظه‌کارانه و مسالمت‌جویانه در برابر ایران پیروی خواهد کرد؛ با این وجود، در مورد برخی مسائل اساسی و بنیادین مانند ترازنی‌تثبیت امنیتی و تعیین رژیم حقوقی دریایی خزر که به میزان زیادی تعیین‌کنندهٔ نقش ایران در آینده‌ی منطقه نیز هستن، ملاحظات جمهوری اسلامی ایران را در نظر نخواهد گرفت.

* * * *

واژگان کلیدی

ژئوپلیتیک، ترکمنستان، ایران، رابطه‌ی ژئوپلیتیکی، رفتار تعاملی.

۱- این مقاله برگفته از پایان‌نامه‌ای است که در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران تصویب و اجرا شده است..

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

سرزمینی که هم‌اکنون جمهوری ترکمنستان در آن قرار گرفته است، مشترکات تاریخی و فرهنگی دیرینه‌ای با کشور ایران دارد. بقایای شهرهایی همچون «نساء» (پایتخت اشکانیان) و «مر» و «ابورد»، که زمانی پایگاه‌های سیاسی و فرهنگی حکومت‌های اسلامی و ایرانی بوده‌اند، و از نظر جغرافیایی در قلمرو خراسان بزرگ قرار داشته‌اند، یادآور چنین مشترکاتی می‌باشند. ترکمنستان قرن‌های متمادی جزئی از سرزمین و قلمرو حاکمیت دولت ایران به شمار می‌رفته است. حوادث مختلف تاریخی و به‌خصوص سلطه‌ی روس‌ها از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم و کمونیست‌ها از اوایل قرن بیستم، موجب قطع شدن روابط ایران با جمهوری مزبور شد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مجددًاً این روابط را احیا نمود و موجب باز شدن فصل جدیدی در روابط ایران و جمهوری نوپای ترکمنستان گردید.

با توجه به عواملی همچون، هم‌جواری جغرافیایی و اشتراکات فرهنگی و تاریخی جمهوری اسلامی ایران با کشور ترکمنستان، می‌توان اذعان نمود که پیدایش این جمهوری تازه استقلال یافته، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر محیط سیاسی - امنیتی و مناسبات منطقه‌ای و حتی جهانی ایران به‌همراه آورده است. فروپاشی شوروی سابق و شکل‌گیری جمهوری ترکمنستان در مرزهای شمال شرقی ایران، علاوه بر ایجاد فرصت‌های فراوان در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ..., چالش‌های سیاسی امنیتی عمدت‌های نیز برای کشور ما به همراه داشته است. در واقع، مواجه شدن جمهوری اسلامی ایران با فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی جدیدی که پس از بروز خلاً قدرت در منطقه‌ی آسیای مرکزی به وجود آمده، لزوم تحلیل رفتار ژئوپلیتیکی این کشورها و تدوین یک سیاست خارجی مبتنی بر وضعیت ژئوپلیتیکی جدید را الزامی نموده است.

با این وجود، ترکمنستان بلافاصله پس از فروپاشی شوروی، مانند سایر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفت و آنها تلاش کردند، تا با حضور در عرصه‌ی سیاست خارجی ترکمنستان منافعی برای خود کسب کنند. در این شرایط، در حالی که روسیه در تلاش بود تا از راه ایجاد سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بستن

قراردادهای امنیتی بلند مدت و تلاش برای حفظ مرزبان‌های روسیه در کشورهای به‌جا مانده از اتحاد شوروی، اقتدار گذشته خود را در منطقه بازیابد، کشورهای دیگر مانند آمریکا، دولت‌های اروپایی و نیز دولت‌های منطقه‌ای مانند عربستان، چین، هندوستان، پاکستان تلاش کردند تا با جلب نظر

کشورهای منطقه، نقش و منافع خود را در منطقه افزایش دهند (Johnson & Glinchey, 2005).

این مقاله با در نظر گرفتن آغاز بازی بزرگ جدید در این منطقه و همچنین سایر عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر رفتار ترکمنستان در برابر ایران در صدد است رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در قبال ایران را بهویژه در مورد ترانزیت انرژی و مسأله‌ی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

استدلال مقاله‌ی حاضر بر این است که اگر چه ترکمنستان به دلیل برخی ملاحظات ژئوپلیتیکی در مقیاسی کلان سعی می‌کند رفتاری مسالمت‌جویانه و تعاملی در قبال ایران در پیش گیرد، اما در دو موضوع مهم ژئوپلیتیکی، یعنی ترانزیت انرژی از مسیر ایران و رژیم حقوقی دریای خزر ملاحظات ژئوپلیتیکی ایران را در نظر نخواهد گرفت.

مبانی نظری تحقیق

مطالعه‌ی تاریخ نشان‌دهنده نقش تأثیرگذار و غیرقابل انکار عوامل جغرافیایی، فضایی و ژئوپلیتیکی در تعیین خط‌مشی و رفتار کشورها است؛ چه از منظر برخی ژئوپلیسین‌های سنتی افراطی مانند «مکیندر» و «هاوس هوفر»، بدون در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار، جغرافیا، یگانه عامل تعیین‌کننده‌ی سیاست کشورها می‌باشد.

روابط ژئوپلیتیکی روابطی هستند که بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه‌ی ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شود. روابط ژئوپلیتیکی بین بازیگران از الگوهای سلطه و استیلا، تحت سلطه، تعامل و تعادل، نفوذ و رقابت تشکیل می‌شود. این الگوها اساساً از پویایی برخوردار بوده و دوره‌ی ثبات یا تحول آنها تابعی از نحوه‌ی ترکیب و تحول عناصر سه‌گانه‌ی جغرافیا، قدرت و سیاست می‌باشد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

رابطه‌ی تعاملی یکی از انواع مختلف روابط ژئوپلیتیکی است. بر اساس این نوع رابطه، دولت‌ها و بازیگران ضمن این‌که نگرش احترام‌آمیز نسبت به یکدیگر دارند، همواره به چشم رقیب به همدیگر نگریسته و در پرتو ادراک از منافع ملی خود و نیز منافع متعارض منطقه‌ای یا جهانی، با یکدیگر محتاطانه برخورد می‌کنند و معمولاً نسبت به اهداف یکدیگر بدگمان‌اند؛ هر چند ممکن است، در یک سازه‌ی منطقه‌ای نیز همکاری و عضویت داشته باشند. به عبارتی، بازیگران مربوطه، به یکدیگر نگاه احترام‌آمیز توأم با احتیاط دارند (همان: ۲۱۸).

«برادن» و «شلی» (۱۳۸۳: ۱۹) معتقدند: «جغرافی دانان سیاسی روابط بین سیاست و جغرافیا در مقیاس‌های فضایی - از محلی تا بین‌المللی - را مطالعه می‌نمایند البته محققان ژئوپلیتیک نمی‌توانند سیاست محلی و ملی را در بررسی روابط بین‌الملل از یک دیدگاه جغرافیایی نادیده بگیرند».

بر این اساس، جهت تحلیل رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در برابر ایران، ناگزیر به استفاده از سه مقیاس مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌باشیم. در سطح ملی به بررسی ویژگی‌های سیاسی اجتماعی ترکمن‌ها و تأثیر غیرقابل انکار آن بر رفتار سران این کشور در برابر ایران می‌پردازیم. در سطح منطقه‌ای مسائلی همچون نوع تعامل کشورهای منطقه در مسأله‌ی تقسیم آب و یا تعیین مسیرهای ترانزیت انرژی و مسائلی از این قبیل را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نهایت، اگر ژئوپلیتیک را علمی بدانیم که به مطالعه‌ی ابعاد فضایی - جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی می‌پردازد، رفتار ژئوپلیتیکی حکومت‌ها را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن قدرت هر یک از کشورها و الگوی توزیع قدرت در نظام بین‌الملل مورد تحلیل قرار داد. تغییر در نظام بین‌المللی، نقش‌ها، هدف‌ها و شیوه‌های عمل کشورها را تغییر می‌دهد. نظام بین‌المللی شرایطی را تحمیل می‌کند که به ویژه کشورهای کوچک نمی‌توانند از چارچوب آن پا را فراتر بگذارند. برای نمونه، منطقه‌ی آسیای مرکزی که ۷۰ سال تحت سلطه‌ی شوروی سابق بود، بالاصله پس از فروپاشی شوروی دچار خلاً قدرت شد. چنین وضعیتی زمینه‌ی رقابت قدرت‌ها در این منطقه را فراهم

نمود و فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی نوینی را فراروی دولتمردان جمهوری‌های تازه استقلال یافته قرار داد.

روش تحقیق

رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان از منظرهای مختلفی اهمیت ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران دارد؛ هم‌جواری جغرافیایی و تأثیرگذاری اوضاع امنیتی ترکمنستان بر امنیت ملی ایران، نقش مکمل ارتباطی و ترانزیتی ترکمنستان، تشریک مساعی ایران و ترکمنستان در امور دریای مازندران، اشتراکات دینی و فرهنگی و تاریخی، و دیپلماسی فعال کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا، ترکیه، روسیه و بهویژه صهیونیست‌ها در این کشور از جمله مواردی است که حساسیت ایران را نسبت به رفتار ژئوپلیتیکی این کشور دوچندان می‌نماید. بر این اساس، تحقیق حاضر جزء تحقیقات کاربردی است که عمدتاً مورد نیاز کاربران سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و ... می‌باشد.

از نظر ماهیت و روش تحقیق نیز جزء تحقیقات توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. در این تحقیق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی و چرایی رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در قبال ایران می‌پردازیم.

یافته‌های تحقیق

با توجه به هم‌جواری جغرافیایی، اشتراکات تاریخی، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار زیادی رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در قبال ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما در این میان، دو مؤلفه‌ی ترانزیت انرژی و رژیم حقوقی دریای خزر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارتی، این مسأله که آیا ترکمنستان مسیر ایران را برای ترانزیت انرژی انتخاب خواهد کرد؟ و همچنین آیا موضع این کشور در مورد تقسیم دریای خزر با موضع ایران هم‌خوانی خواهد داشت، از اهمیت ویژه‌ای برای ایران برخوردار است. مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی اثرگذار بر رفتار ترکمنستان در قبال ایران و نوع تأثیر آن عبارتند از:

ترانزیت انرژی از مسیر ایران و موضع ترکمنستان

دولت ترکمنستان پس از استقلال، جهت تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی خود، تنوع بخشی به مسیرهای عرضه انرژی را در پیش گرفت. بی‌گمان، مهم‌ترین مسیر ترانزیتی که از همان ابتدا نظر ترکمنستان را جلب نمود، مسیر ایران بود؛ مسافت کم، عبور از یک کشور به جای چند کشور، هزینه‌ی اندک، وجود تضمین امنیتی و همچنین، امکانات گستره‌ی ایران در زمینه‌ی نیروی انسانی کارآمد در صنایع نفتی، حمل و نقل خشکی و دریایی، پالایشگاه‌ها و امکانات بندری در امر صدور نفت و گاز و شبکه‌ی لوله‌های نفتی و گاز موجود، امکانات بندری مناسب در امر صدور گاز، امتیازات چشمگیری را در اختیار می‌گذارد که هیچ گزینه‌ی دیگری را برای صدور نفت و گاز خزر - آسیای مرکزی، یاری هماوردی با آن نیست (مجتهدزاده، ۱۳۸۲). اما ترکمنستان تاکنون به دلیل برخی ملاحظات ژئوپلیتیکی مسیر ایران را برای انتقال انرژی خود به جهان خارج برنگزیده است. برخی از این ملاحظات ژئوپلیتیکی عبارتند از:

تعدد مسیرهای رقیب

ترکمنستان برای تنوع بخشی به مسیرهای عرضه‌ی انرژی خود، علاوه بر مسیر ایران گزینه‌های دیگری از جمله مسیرهای شمالی، مسیر ترانس خزر، ترانس افغان و مسیر غرب به شرق (چین) را پیش رو دارد. بنابراین، ایران باید با این مسیرها نیز رقابت نماید. به‌نظر می‌رسد، در میان مسیرهای غیرروسی، مسیر افغانستان با توجه به مسافت کم و حمایت بی‌دریغ امریکا و مسیر غرب به شرق با توجه به نیاز مبرم چین به تنوع بخشی به منابع انرژی جدی‌ترین رقیب ایران است؛ چه این‌که چین و ترکمنستان در سال ۲۰۰۶ برای ساختن یک خط لوله از ترکمنستان به چین به توافق دست یافته‌اند که از ازبکستان و قزاقستان می‌گذرد. طول این خط لوله حدود ۷۰۰۰ کیلومتر پیش‌بینی شد و گاز میدان‌های «آموردیریا» را به «ارومچی» در غرب چین منتقل می‌کند. بیش از ۴۵۰۰ کیلومتر آن نیز داخل خاک چین قرار دارد. این خط لوله در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹ افتتاح شد و هنگامی که این خط لوله در سال ۲۰۱۳ به حداقل ظرفیت خود برسد، سالانه ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز را انتقال می‌دهد (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

فشارهای ژئوپلیتیکی ایالات متحده امریکا (سیاست همه چیز بدون ایران):

پس از استقلال ترکمنستان، مسیری که توسط کارشناسان برای صادرات گاز ترکمنستان به اروپا از نظر تجاری و اقتصادی مناسب تشخیص داده شد، مسیر ایران و ترکیه به بازارهای اروپا بود. این خط لوله، با توجه به روابط خوب ایران و ترکمنستان، برای خود ترکمنستان هم اولویت داشت. مذاکرات در مورد این خط لوله در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ آغاز شد. هدف، ساخت خط لوله‌ای به طول ۱۴۰۰ کیلومتر از ایران به بازارهای اروپا بود. ظرفیت این خط لوله ۲۸ میلیارد متر مکعب در نظر گرفته شده بود که از ترکمنستان و ایران تأمین می‌شد. اقدام‌های اولیه در این راستا در حال برنامه‌ریزی بود که ترکمنستان در سال ۱۹۹۶ ناگهان خود را از پروژه کنار کشید. دلیل این امر هم مخالفت آمریکا با طرح‌های مرتبط با ایران و تلاش برای منزوی کردن ایران بود (Olcott, 2006: 212).

ایالات متحده در راستای کوشش‌هایش به منظور تحقق بخشیدن به «نظم نوین جهانی» و استمرار سلطه‌اش در چارچوب نظام تک قطبی، اهمیت فراوانی برای کنترل مناطق برخوردار از منابع کمیاب انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر قائل است. افرون بر این، امریکا از طریق ممانعت از نقش آفرینی ایران در مسأله‌ی انتقال انرژی به دنبال تحلیله‌ی راهبردی این کشور است. امریکا برای اجرای طرح خط لوله‌ی «شرق به غرب از مسیری غیر از ایران» رؤسای جمهور سه کشور آذربایجان، ترکمنستان و قرقیزستان را در پایان ماه جولای سال ۱۹۹۶ به واشنگتن فراخواند و به آنها توصیه کرد که نفت خود را از طریق ایران صادر ننمایند. این اقدام تبلیغاتی سیاسی از آن‌رو صورت گرفت که قوه‌ی مجریه‌ی امریکا در حضور کنگره، افکار عمومی و مقامات غیررسمی امریکا روشن سازد که هیچ خط لوله‌ی نفت و گازی از ایران نباید عبور کند (کالاوسون، ۱۳۷۸: ۱۳). بدین لحاظ، امریکا تمام تلاش خود را برای تحقق مسیرهای شرقی- غربی به جای مسیرهای شمالی- جنوبی پیگیری می‌نماید؛ حتی به بهای پرداخت یارانه‌های کلان.

به علاوه، اقتصاد ترکمنستان متکی به صادرات انرژی است، اما برای تولید و صادرات آن نیاز مبرمی به سرمایه‌گذاری خارجی دارد. به گفته‌ی «نظراف» حکومت ترکمنستان در صدد جلب نظر شرکت‌های خارجی جهت ساماندهی چاهه‌ای نفتی خود در دریای خزر است (Commission on security & Cooperation in Europe, 2004).

شرکت‌های نفت و گاز منطقه‌ی خزر امریکایی‌اند و طبق قانون تحریم ایران از سوی کنگره‌ی امریکا، شرکت‌های امریکایی نمی‌توانند در ایران سرمایه‌گذاری کنند و شرکت‌های غیرامریکایی که در صنایع نفت و گاز ایران بیش از بیست میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند، مجازات خواهند شد (حیدری، ۱۳۸۲: ۴۶). بنابراین، ترکمنستان ناچار است ملاحظات امریکا در مسأله‌ی انتقال انرژی را تا حدود زیادی در نظر بگیرد.

نکته‌ی قابل تأمل این که خلاف نظر برخی تحلیلگران که گمان می‌کنند در صورت بهبود روابط تهران - واشنگتن و یا تغییر نظام در ایران، امریکا اجازه‌ی نقش آفرینی ترانزیتی فعالی به ایران می‌دهد، باید گفت که حتی در صورت بهبود روابط آمریکا و ایران، ایالات متحده همچنان از نقش آفرینی ایران در این منطقه جلوگیری خواهد نمود؛ چه به گفته‌ی تمام نمایندگان امریکا در مسائل حوزه‌ی خزر یعنی، «الیزابت جونز»، «ولف» و «استیومن»:

«اگر امریکا در هرجایی تحریم علیه ایران را لغو کند، در دریای خزر چنین کاری را نخواهد کرد؛ زیرا منافع راهبردی آن کشور حکم می‌کند که ایران در این منطقه بازیگر نباشد» (آروانیتوپولس، ۱۳۸۱: ۶۵).

«کنت تیمرمن» کارشناس مسائل ایران نیز طی مقاله‌ای در نیویورک تایمز می‌نویسد: «اگر ایران تحریم نشود، آن وقت به مسیر اصلی صادرات نفت و گاز دریای خزر به بازارهای جهانی تبدیل خواهد شد و ظرف مدت ده سال، درآمد ناشی از تولید انرژی خود را به دو برابر خواهد رساند؛ ضمن این‌که مشروعیت و اقتدار بیشتری پیدا خواهد نمود. با لغو تحریم‌ها، عملًاً ما ابرقدرت شدن ایران در منطقه را تضمین می‌کنیم» (ولايتی، ۱۳۸۲: ۹۸).

فشارهای ژئوپلیتیکی روسیه

راهبرد جدید روسیه بر پایه‌ی استفاده از «امپریالیسم انرژی»^۱ برای مجازات انقلابیون^۲ (رنگی) و «دولت‌های بی‌وفا»^۳، احیای امپراتوری سابق و به چالش کشیدن غرب در رقابت جدید جهانی

1- energy imperialism

2- revolutionaries

3- disloyal states

(Tsygankov, 2006: 677) است. با در نظر گرفتن این راهبرد، یکی از مهم‌ترین مشکلات فراروی ترکمنستان پس از استقلال، مسئله‌ی چگونگی انتقال انرژی خود به بازارهای جهانی است؛ چرا که روسیه در جهت تحت فشار قراردادن ترکمنستان، بارها اقدام به بستن این خط لوله و راههای ترانزیت این کشور به اروپا نموده است؛ بهویژه، هنگامی که ترکمنستان راههای دیگر صدور گاز خود به اروپا را بررسی کرد، مسکو برای هشدار به رهبران این کشور، انتقال انرژی ترکمنستان به اروپا را تا ۲ سال مسدود کرد تا ترکمن‌ها پیام مسکو را به وضوح درک نمایند (استار، ۱۳۷۶: ۵۳). شاهد بزرگ این ادعا، سیر نزولی تولید گاز ترکمنستان طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ است؛ بهطوری که میزان صادرات گاز ترکمنستان از ۵۶۲ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۲ به ۱۶۷۱ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۷ و ۱۲/۴ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۸ رسید (عیسی‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۸).

بنابراین، تضاد منافع ایران و روسیه در مسئله‌ی ترانزیت انرژی (پیشگاهی فرد و جنیدی، ۱۳۸۹) از دیگر مشکلات ترکمنستان برای تنوع بخشی به مسیرهای عرضه‌ی انرژی خود است. اگرچه در شرایط کنونی روسیه با موافقت امریکا همچنان کنترل کننده‌ی اصلی مسیرهای انرژی است، اما چنان‌چه ایران بتواند با رفع تنگناهای دیپلماتیک نظر ترکمنستان را جلب کند، آن‌گاه باید شاهد آغاز عملی رقابت رئوپلیتیکی ایران و روسیه برای کنترل کریدورهای انرژی حوزه‌ی خزر – آسیای مرکزی باشیم.

همکاری روسیه و امریکا در زمینه انرژی

روسیه پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، بر اساس رویکردی جدید، ضمن موافقت با حضور نظامی ایالات متحده و همکاری با این کشور در جریان جنگ ضد ترور، در زمینه‌ی انرژی نیز، همکاری جدیدی را با امریکا آغاز نمود. روسیه در این سال با احداث خطوط لوله‌ی باکو – چیهان موافقت نمود. در این مورد، آقای «لونارد کوبرن»^۱ از اعضای وزارت انرژی امریکا به کنگره اعلام کرد که روس‌ها عنوان کرده‌اند تا زمانی که منافع روسیه در این خصوص در نظر گرفته شود، آنها با ساخت خط لوله‌ی باکو – چیهان مخالفتی نخواهند داشت. (یکهول، ۲۰۰۳: ۶).

۱- Leonard Coburn

«لوك اویل» با سهم ۷/۵ درصدی به کنسرسیوم ساخت خط لوله‌ی مهم صادرات باکو- قفلیس - جیهان پیوست (Kozhikov & Kaliyeva, 2004: 3). امریکا نیز به پاس خوش خدمتی روس‌ها، با انتقال انرژی از مسیرهای شمالی موافقت نمود.

اگر چه پس از سال ۲۰۰۵ روابط مسکو و واشنگتن به تدریج رو به تیرگی گرایید، اما روسیه با چراغ سبز امریکا در دوره‌ی پس از ۱۱ سپتامبر چندین قرارداد ترانزیتی بزرگ را با کشورهای منطقه منعقد نمود؛ به طوری که، «ملکی» (الف) از این تحول با عنوان «پایان بازی بزرگ جدید» یاد نمود.

رژیم حقوقی دریای خزر و موضع ترکمنستان

اگر چه ترکمنستان در زمینه‌ی مسائلی همچون جلوگیری از نظامی شدن دریا و تشریک مساعی در امور بهره‌برداری و حفظ محیط زیست خزر، نظرات تقریباً مشترکی با ایران دارد؛ اما همزمان اقداماتی خلاف این موضع صورت داده که کاملاً متضاد با موضع و ملاحظات ایران است؛ اقداماتی از قبیل: تصویب قانونی در پارلمان ترکمنستان در سال ۱۹۹۳ مبنی بر تعیین یک جانبه‌ی محدوده‌ی آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی و منطقه‌ی انحصاری اقتصادی که نقض کامل حقوق بین‌الملل و قرارداد «مینسک» به شمار می‌رود (ترکزاده، ۱۳۸۲: ۲۷۳)، تقسیم مرزهای سرزمینی خود با قراقستان براساس خط میانی در تاریخ ۲۷ فوریه سال ۱۹۹۷ و صدور بیانیه‌ی مشترکی با آذربایجان مبنی بر تقسیم سواحل خود براساس خط میانی در نوامبر سال ۱۹۹۸. علاوه بر این، هم‌اکنون جمهوری ترکمنستان مشغول بهره‌برداری از میادین نفتی خود در دریای خزر است (رویان، ۱۳۸۳: ۷۴).

در شرایط کنونی، چهار مؤلفه‌ی رئوپلیتیکی بسیار مهم، بر نوع موضع گیری ترکمنستان در قبال مسئله‌ی تعیین رژیم حقوقی خزر و میزان هماهنگی آن با موضع جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است که عبارتند از:

- **نفوذ رئوپلیتیکی روسیه:** جمهوری ترکمنستان در ابتدا مسئله‌ی اشتراک و مشاع بودن دریای خزر را که هماهنگ با موضع جمهوری اسلامی ایران و روسیه بود، پذیرفت. هنگامی که روسیه موضع خود را در سال ۱۹۹۸ تغییر داد و طی قراردادی در سال ۱۹۹۸ بخش شمالی دریا را با

قراقتان تقسیم کرد، نقش دیدگاه ترکمنستان به ویژه برای ایران برجسته‌تر شد. اگر چه ترکمنستان ابتدا با نظر روسیه مخالفت نمود، اما هنگامی که در سال ۲۰۰۱، روسیه و آذربایجان نیز در مورد تقسیم بخش‌های ساحلی خود به توافق رسیدند، ترکمنستان نیز از موضع مبهم و چندپهلوی خود دست کشید و عملاً تقسیم دریا را بر اساس خط میانی پذیرفت که کاملاً مغایر با موضع ایران است. زمانی که روسیه با تقسیم بستر دریا میان پنج کشور ساحلی موافقت کرد، ترکمنستان نیز براساس تبعیت سنتی از روس‌ها، ایران را تنها گذاشت (پیشگاهی فرد و جنیدی، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۵). «نیازوف» رئیس جمهور سابق ترکمنستان، هنگام امضای قرارداد گازی روسی - ترکمنی در سال ۲۰۰۲، اعلام کرد که عشق‌آباد در مسأله‌ی دریای خزر آماده‌ی هرگونه مصالحه و همکاری با روسیه است. در همین راستا توافق‌هایی پیرامون نفت در تاریخ ۲۰۰۲/۱۰/۲۷ برای ایجاد کنسرسیوم روسی - ترکمنی «ازاریت» به عمل آمد که باید به بهره‌برداری معادن نفت در قسمت ترکمنی دریای خزر پردازد (عزتی، ۱۳۸۳: ۱۱۳ و ۱۱۴).

• نیاز ترکمنستان به آمریکا و شرکت‌های سرمایه‌گذار غرب: ادعاهای ایالات متحده نیز در مورد داشتن منافع عمده‌ی اقتصادی در منطقه ناشی از شرکت‌های غیردولتی آمریکائی است که در عملیات اکتشاف و صدور نفت و گاز منطقه‌ی سرمایه‌گذاری سنگین کرده‌اند. ایالات متحده از همان آغاز با موضع ایران و روسیه سخت مخالف بوده است. در عوض، با آن چنان شدتی از موضع جمهوری آذربایجان (تقسیم مناطق دریایی) حمایت کرده که این توهم در منطقه ایجاد شده که موضع آذربایجان در واقع چیزی نیست جز پوششی منطقه‌ای برای نظرات ایالات متحده که به دقت از سوی واشنگتن تحت مراقبت و نظارت قرار دارد (مجتبه‌زاده، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴).

با توجه به نیاز ترکمنستان به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و جلب حمایت معنوی غرب، سران ترکمنستان ناچار هستند ملاحظات سیاسی اقتصادی امریکا و شرکت‌های سرمایه‌گذار در زمینه‌ی اکتشاف، استخراج و انتقال انرژی منطقه را در نظر بگیرند.

• طول و شکل سواحل ایران و ترکمنستان: گسترش طولی چهار کشور ترکمنستان، قراقتان، روسیه و آذربایجان در کرانه‌های شرقی و غربی دریای خزر، موقعیت مناسبی را برای دستیابی به رژیم حقوقی متناسب با منافع این کشورها فراهم آورده است. این در حالی است که ایران به

رغم مرز مستقیم ۶۵۷ کیلومتری بین آستارا تا دهانه اترک، امکان گسترش دادن فلات قاره اش را در قبال دو کشور آذربایجان و ترکمنستان ندارد و برای دستیابی به خواسته های تاریخی و طبیعی اش، باید به قراردادهای پیشین تکیه کند یا سایر کشورها را به طرح تقسیم ۲۰ درصد برای هر یک از پنج کشور ساحلی متقاضد نماید. نکته ای قابل تأمل این که، در صورت تقسیم دریا بر اساس خط میانی سهم ایران ۱۲ تا ۱۳ درصد یعنی خط مستقیمی از خلیج «حسینقلی» تا «آستارا خان» خواهد بود (تصویر شماره ۱)؛ این در حالی است که بلا فاصله پس از این محدوده ۱۳ درصدی، میدان های نفت و گاز اثبات شده خزر شروع می شود و در صورت افزایش سهم ایران به ۲۰ درصد مورد نظر خود، بخشی از این منابع نفت و گاز دریا در محدوده سرزمینی ایران قرار خواهد گرفت؛ مسئله ای که هیچ گاه با علائق ترکمنستان و آذربایجان هم خوانی ندارد.



تصویر شماره ۱- تقسیم دریای خزر براساس خط میانی (منبع: مرکز مطالعات راهبردی دریای خزر)

- نیاز ترکمنستان به بهره برداری سریع از منابع فسیلی دریای خزر: ترکمنستان در صورت پاییندی به قراردادهای پیشین و به ویژه بیانیه‌ی «آلماتی» که بر آن اساس تمامی کشورهای ساحلی متعهد هستند از هرگونه تلاش یک جانبه برای بهره برداری از ذخایر زیربستر دریای خزر اجتناب کنند (دھقان طرزجانی، ۱۳۷۸: ۷۳)، ملزم است

تا تعیین کامل رژیم حقوقی دریا از منابع فسیلی قلمرو دریایی خود بهره‌برداری نکند؛ مسائلهایی که با شرایط اقتصادی این کشور هم‌خوانی چندانی ندارد. این مهم که آذربایجان با شتاب هر چه بیشتر، استخراج از میدان‌های نفت و گاز دریا، به‌ویژه میدان‌های مورد اختلاف دو کشور را آغاز کرده‌اند، شتاب ترکمنستان برای بهره‌برداری از ذخایر ساحلی خود را نیز تشید می‌نماید (ملکی، ۱۳۸۳: ب). این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران هرگونه بهره‌برداری از منابع فسیلی دریا را منوط به تغییر کامل رژیم حقوقی خزر می‌داند.

وابستگی ترکمنستان به منابع آب ایران

بارش کم و خشکی مداوم اقلیم ترکمنستان باعث شده که ۸۰ درصد از وسعت داخلی خاک این جمهوری از جریانات آب دائمی محروم باشد و تنها در حاشیه‌های شرقی و جنوبی این کشور است که رودهای دائمی به چشم می‌خورد. از طرفی، اقتصاد ترکمنستان، همچنان، به میزان زیادی متکی به محصولات کشاورزی بهویژه پنبه است که نیاز به آب منظم و فراوانی دارد (سینائي، ۱۳۹۰). در حال حاضر، آمودریا و کانال قره‌قوم که از آن منشعب می‌شود، مهم‌ترین جریان‌های سطحی تأمین‌کننده‌ی آب ترکمنستان هستند. «مرغاب» و «هری‌رود» نیز دو رود مهم دیگر ترکمنستان هستند که از ارتفاعات افغانستان سرچشمه می‌گیرند. با افزایش ثبات در افغانستان، انتظار می‌رود اقتصاد کشاورزی این کشور از پیشرفت چشمگیری بخوردار شود و نیاز افغانستان به دو رود مذکور بیشتر شود. در صورت تحقق چنین سناریویی، احتمالاً روابط دو کشور ترکمنستان و افغانستان تحت تأثیر چالش هیدرولیتیکی قرار خواهد گرفت. همچنین، تشدید اختلافات کشورهای بالادست و پایین‌دست رودخانه‌ی آمودریا بر سر استفاده از آب این رود در آینده‌ی نزدیک، امری بسیار محتمل به نظر می‌رسد. در این صورت، وابستگی ترکمنستان به رودهایی که از ایران به این کشور روانه می‌شود، به مرتب بیشتر خواهد شد.

افزون بر رودخانه‌های «اترک»، « محلات نادری»، «درونگر»، «هری‌رود» (تجن) و «سومبار» که از خاک ایران به سوی ترکمنستان جاری هستند، چندین رودخانه با دیگر متغیر

و فصلی، مانند «شوراًق»، «چهل کمان»، «چهچهه»، «قره‌تکان»، و «لاین» نیز از ارتفاعات مرزی «هزار مسجد» به سوی دشت‌های پست ترکمنستان در جریان هستند. باید یادآور شد که به ترتیب سالانه حدود ۲۷۵ و ۸۳۰ میلیون متر مکعب آب از طریق «اترک» و «هریروود» به ترکمنستان وارد می‌شود (ملکی، ۱۳۷۱: ۴). به اعتقاد نگارنده، چنان‌چه نیاز آبی شمال شرقی ایران تشدید شود و در راستای رفع این مشکل سدهایی نیز احداث شود؛ آن‌گاه، احتمالاً روابط دو کشور ایران و ترکمنستان تحت تأثیر چالش هیدرولیتیکی قرار خواهد گرفت؛ مسئله‌ای که ترکمنستان باید از آن به شدت احتراز نماید.

پوستگی و هم‌جواری جغرافیایی

جمهوری ترکمنستان بر اساس واقعیت جغرافیایی غیرقابل انکار و لایتغیر یعنی «هم‌جواری جغرافیایی» باید با همسایه‌ای به نام ایران – با بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک – مراوده و تعامل داشته باشد؛ چه این‌که واقعیت‌های جغرافیایی اقتضا می‌کند که راه مسالمت‌آمیز و همکاری به جای تنش و تعارض در پیش گرفته شود. با این وجود، کشورها در ارزیابی منافع خویش، اولویت را به همسایگانی می‌دهند که می‌توانند تأمین‌کننده‌ی اهداف اساسی مورد نظرشان باشد. امروزه، سیاست خارجی ترکمنستان عمدتاً متمایل به مرکز اتحاد جماهیر شوروی سابق است؛ با این وجود، نقش نزدیکی جغرافیایی ایران که وابستگی‌های متقابل اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و ترانزیتی را به وجود آورده، ارتقای منزلت ژئوپلیتیکی ایران در سیاست خارجی ترکمنستان را موجب شده است.

اختلافات پنهان ارضی

مرز ایران و ترکمنستان برای اولین بار به موجب قرارداد ۱۸۸۱ بین ایران و روسیه‌ی تزاری تعیین شد. اما اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۱ برای کاستن از فشارهای بین‌المللی از بخش کوچکی از امتیازاتی که روسیه‌ی تزاری در ایران به دست آورده بود، چشم‌پوشی کرد و مسئله‌ی مرزهای بین‌المللی در فصل سوم قرارداد ۱۹۲۱ ایران – اتحاد جماهیر شوروی گنجانده شد. طبق این قرارداد مقرر شد که «سرخس کهنه» همچنان در اختیار شوروی باقی

بماند و جزیره‌ی «آشوراده» که در واقع بخشن انتهایی شبه جزیره‌ی «میانکاله» به شمار می‌رود، به ایران بازگردانده شد. اما اتحاد جماهیر شوروی از بازگرداندن روستای «فیروزه» ابتدا تعلل و سپس امتناع ورزید (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

در حال حاضر، روستای فیروزه که ناحیه‌ی کوهستانی هم‌جوار ایران است، مقر کاخ ریاست جمهوری ترکمنستان می‌باشد و استرداد آن، در شرایط عادی با توجه به نوع مناسبات بین دو کشور، به هیچ وجه قابل طرح نخواهد بود. البته، ایران همواره فرصت طرح این موضوع را در اختیار خواهد داشت، ضمن این‌که، رودخانه‌ی مرزی اترک و تغییرات مسیر آن به سمت ایران نیز می‌تواند موضوع دیگری برای تشديد اختلاف و تنفس بین دو کشور باشد (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۳۲).

بنابراین، ترکمنستان با هراس از طرح ادعای ایران نسبت به روستای فیروزه در آینده، در این خصوص رفتاری محافظه‌کارانه در قبال کشور ما اتخاذ خواهد نمود. تغییر تدریجی مسیر رودخانه‌ی مرزی اترک (فرساش ساحل جنوبی این رود) نیز می‌تواند روابط ایران و ترکمنستان را در آینده تحت تأثیر قرار دهد.

ضعف ژئواستراتژیک ترکمنستان در برابر ایران

از منظر ژئواستراتژیک، با توجه به این‌که صحرای پست و هموار «قره‌قوم» بیش از ۸۰ درصد از خاک ترکمنستان را اشغال نموده است، مرزهای طبیعی این کشور موضع دفاعی قابل اتكایی به شمار نمی‌رود. به علاوه، شکل جغرافیایی، نحوه و فضاهای پراکنش جمعیت و منابع حیاتی سرزمینی این دولت نوپا متمایل به نوار مرزی جنوبی است؛ بدین اعتبار، ترکمنستان در قبال تهدید نظامی احتمالی از سمت جنوب، قادر عمق راهبردی و حتی عمقد تأثیری است؛ بهویشه این‌که، فاصله‌ی عشق‌آباد تا نوار مرزی ایران در بایگیران کمتر از ۶۰ کیلومتر است (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). این مسئله باعث می‌شود ترکمنستان ملاحظات ایران و بهویشه ملاحظات ژئواستراتژیک آن را تا حدود زیادی در نظر بگیرد.

ترکمن‌های ایران

امتداد جغرافیای سرزمینی، پیوستگی و تمرکز مرزی اقوام ترکمن ایران با ترکمنستان، می‌تواند روابط دو کشور را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. هم‌زمان با جابه‌جایی خطوط مرزی ایران و روسیه طی قرارداد «آخال»، قلمرو قوم ترکمن نیز به دو قطعه فضایی تقسیم شد و بیلاق و قشلاق آنها را با بحران مواجه ساخت (عسگری خانقاہ و کمالی، ۱۳۷۴: ۴۹). اقدامات حکومت پهلوی در «ترکمن صحرا» از جمله، اسکان اجباری عشاير این منطقه و تغییر نظام اقتصادی ترکمن‌ها که البته با زور سرنیزه انجام می‌گرفت، تأثیر زیادی بر گرایش ترکمن‌ها به آن سوی مرزها بر جای گذاشت. پس از روی کار آمدن محمد رضا پهلوی، همچنان ظلم این خانواده‌ی ستم‌شاهی بر ترکمن‌ها ادامه پیدا کرد.

ترکمن‌های ایران در رژیم گذشته حق هیچ‌گونه اعتراضی نداشتند؛ و با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و در پرتو القایات قدرت‌های سیاسی فرامنده‌ای، جنبش سیاسی خلق ترکمن در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ شکل گرفت. اما در ادامه، فعالیت‌های این جنبش به خشونت مسلحانه به رهبری گروه‌های چپ متمایل گردید و پس از مدت کوتاهی با دخالت دولت مرکزی بحران پایان پذیرفت. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پیدایش دولت مستقل ملی ترکمنستان را در پی داشت؛ اما موقعیت ضعیف ژئوپولیتیک این کشور نسبت به ایران، باعث شد ترکمنستان سیاست مسالمت‌جویانه و محتاطانه‌ای در قبال ایران در پیش بگیرد (حافظنی، ۱۳۸۱: ۱۷۸). شاید گفته‌ی «آرتم اولونیان» را بتوان مهر تأییدی بر ادعای مزبور دانست. این تحلیلگر سیاسی می‌گوید:

«ایران به یکی از کشورهایی تبدیل شد که نیازوف با آن روابط دوستانه‌ای داشت. این موضوع برای بسیاری از مردم علنی شده است، که هرگاه مشکلات قومی ترکمن‌های ساکن ایران در ترکمنستان مطرح می‌شد، نیازوف با چشم‌پوشی از آن مسائل می‌گفت که حتی راجع به آن فکر هم نکنید، هیچ سؤالی نکنید که بتواند در ایران سخنی خصوصت‌آمیز یا رقابت‌آمیز تلقی شود. اگر هم، چنین سخنای مطرح می‌شد او خود افراد مسئول را تنیبیه می‌کرد.»

در حال حاضر، جاذبه‌های ترکمنستان برای تقویت انرژی همگرایی ترکمن‌های دشت کافی نیست؛ از سوی دیگر، عرصه‌ی برای فعالیت‌های اقتصادی آنها در ایران تقریباً مساعد است و از آزادی‌های مذهبی مناسبی برخوردارند. همچنین، به دلیل طول اقامت اقوام «گوگلان» و «یموت» و مشارکت آنها در برخی تحولات بزرگ جامعه‌ی ایرانی بهویژه در دوران معاصر، آنها را نسبت به سرنوشت سیاسی ایران حساس کرده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۵).

ترکمن‌ها در سه خصیصه و متغیر زبان، قومیت و مذهب با ترکمنستان اشتراک و تجانس دارند. این مسأله به لحاظ امنیتی برای ایران زمینه‌های روانی یک تهدید بالقوه محسوب می‌گردد (حافظنی، ۱۳۸۱: ۱۷۸). از این‌رو، میزان توفیق طرح‌های توسعه‌ای دو کشور می‌تواند تأثیرات تعديل‌کننده‌ای بر اصل رضایت‌مندی و کاهش یا افزایش همگرایی و واگرایی ترکمن‌ها داشته باشد.

کارکرد مرز و امنیت متقابل

در حالی که، ایران و ترکمنستان از طریق یادداشت تفاهم‌های کنسولی برای رفت و آمد آزاد اتباع دو کشور چند نقطه گمرکی مانند «سرخس»، «باجگیران»، «لطف‌آباد» و «ایستگاه پل» ایجاد کرده‌اند اما قاچاق به عنوان پدیده‌ی معمول و مرسوم مرزهای بین‌المللی در این بخش از جهان نیز رواج دارد. قاچاق مواد مخدّر از ایران به ترکمنستان و دستگیری و محکمه و محکومیت تعداد زیادی از ایرانیان در این زمینه و همچنین ترددات غیرمجاز اتباع دو کشور بهویژه احتمال رفت و آمد عناصر اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از این مرز طولانی می‌تواند تأثیر نگران‌کننده‌ای بر روابط طرفین بر جای گذارد (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۳۲).

از منظر ژئوپلیتیک تروریسم، و مواد مخدّر و جنایت‌های بین‌المللی، امنیت در مرزهای جمهوری اسلامی ایران برای ترکمنستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه، هرگونه ناامنی در مرزهای شمال شرقی ایران همچون فعالیت اشرار و قاچاقچیان، بنیادگرایان افراطی، تروریسم، درگیری‌های قومی – نژادی تأثیری مستقیم بر امنیت و منافع ملی ترکمنستان خواهد داشت. از این‌رو، این موارد می‌توانند تأثیر مثبتی بر رفتار ترکمنستان در برابر ایران بر جای گذارد.

گسترش ناتو به شرق و حضور و نفوذ نیروهای نظامی امریکا

دیدگاه‌های امنیتی ترکمنستان و ایران در این زمینه عمدتاً ناهمسان است. در حالی که ایران گسترش ناتو به شرق و حضور و نفوذ نیروهای نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی را تهدیدی علیه امنیت و منافع ملی خود می‌داند، ترکمنستان این وضعیت را فرستی برای تقویت استقلال خود و جلوگیری از سلطه‌ی مجدد روسیه ارزیابی می‌کند. شایان توجه است که ترکمنستان در روز دهم ماه مه سال ۱۹۹۴، اولین کشور آسیای مرکزی بود که به «طرح مشارکت برای صلح ناتو» پیوست (چینگ و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۰۲). پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دولت ترکمنستان به رغم در پیش گرفتن سیاست بی‌طرفی، اجازه‌ی استفاده از پایگاهی هوایی در نزدیکی مرز با افغانستان را برای نیروهای ائتلاف صادر نمود. همچنین، ترکمنستان به ایالات متحده اجازه داد تا ایستگاه عملیات روانی علیه طالبان را در خاک این کشور تأسیس کند. در اواسط اکتبر ۲۰۰۱، ترکمنستان آشکارا، اجازه‌ی استفاده از خاک خود را برای انتقال و پخش اخبار رادیوهای طرفدار امریکا به داخل خاک افغانستان به واشنگتن داد (کافمن، ۱۳۸۳: ۱۰). بدین لحاظ بود که بوش رئیس جمهور امریکا در ماه آوریل سال ۲۰۰۲، از ترکمنستان به خاطر نقش کمک‌رسانی در جریان اشغال افغانستان سپاس‌گزاری کرد.

در حال حاضر، گروه سپاه صلح امریکا در ترکمنستان فعال است و روابط نظامی - امنیتی میان آنها نیز در حال تقویت می‌باشد. نزدیکی دولت ترکمنستان به غرب پس از تصدی ریاست جمهوری توسط «بردی محمداف» با حذف اصل بی‌طرفی دائم از قانون اساسی ترکمنستان و شرکت در نشست ناتو (عطایی و شجاعی، ۱۳۸۹: ۱۰۷) افزایش یافته است. بدیهی است، تقویت روابط امنیتی و نظامی غرب و ترکمنستان تأثیری منفی بر رفتار ژئوپلیتیکی عشق‌آباد در قبال تهران بر جای خواهد گذاشت.

حضور و نفوذ آمریکا و شرکت‌های سرمایه‌گذار فرامنطقة‌ای

فراخوانی قدرت‌های جهانی از سوی کشورهای منطقه‌ی آسیای مرکزی به منظور غلبه بر مشکلات اقتصادی و کاهش وابستگی به روسیه، باعث تشدید رقابت‌های ژئوکconomیکی و

ژئوپلیتیکی در این منطقه‌ی حساس جهان شد؛ به طوری که گفته می‌شود رقابت ژئوپلیتیکی، به ویژه تلاش برای دستیابی به ذخایر انرژی منطقه و کنترل مسیرهای انتقال آن پس از فروپاشی سوری در هیچ کجا در دنیا به اندازه‌ی حوزه‌ی دریای خزر و پیرامون آن نبوده است (Ferari, 2003: 3).

یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای که با بهره‌گیری از توانمندی‌های همه‌جانبه‌ی خود، توانست نفوذش را در منطقه بیش از پیش تقویت نماید، ایالات متحده امریکا بود. در این شرایط، ترکمنستان و سایر کشورهای تازه استقلال یافته برای حفظ و توسعه‌ی روابط خود با ایالات متحده چاره‌ای جز تبعیت از بسیاری از سیاست‌های ضدایرانی واشنگتن نخواهند داشت؛ مسئله‌ای که باعث شده از سرعت رشد مناسبات میان ایران و کشورهای این منطقه کاسته است؛ به گونه‌ای که به رغم سپری شدن بیش از ربع قرن از عمر سیاسی این کشورها، تاکنون، زمینه و بستر همگرایی بین ایران و همسایگان شمالی آن در منطقه‌ی خزر - آسیا مرکزی در حد مطلوبی فراهم نشده و در صورت ایجاد کوچک‌ترین روزنه‌ای، کارشکنی‌های امریکا و غرب به شکل‌های مختلف، آغاز شده و فضای تعامل‌زا را در گردابی از یأس، چالش و بحران قرار داده است. بنابراین، بررسی و تحلیل دقیقی از رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در برابر ایران بدون در نظر گرفتن رفتار مداخله‌جویانه‌ی امریکا چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد. به عبارتی، نوع روابط عشق‌آباد - واشنگتن و همچنین تهران - واشنگتن تأثیر مستقیم و غیرقابل انکاری بر رابطه‌ی عشق‌آباد در برابر تهران بر جای خواهد گذاشت.

وابستگی سنتی ترکمنستان به روسیه

ساختمانهای اقتصادی بر جای‌مانده از دوران اتحاد شوروی به‌رغم فروپاشی سیاسی - اقتصادی نظام کمونیستی، تأثیرات نافذ خود را در منطقه تداوم بخشیده‌اند. یکی از نگرانی‌های کشورهای تازه استقلال یافته این است که روسیه ممکن است با از دست دادن نفوذ منطقه‌ای و افزایش ضعف خود، به اعمال کنترل، حتی از طریق زور، متول شود. این که آیا روسیه توانایی انجام این کار را دارد یا نه، چندان مهم نیست، زیرا این کشور می‌تواند برخی درگیری‌های

قومی، مذهبی و سرزمینی را در این منطقه ایجاد کند که همین امر اصلاحات و توسعه را برای دهه‌هایی به تأخیر خواهد انداخت (آلکر و ساینا، ۱۳۸۲: ۳۷۴-۳۷۳).

مهم‌تر از همه، روسیه همچنان کنترل‌کننده‌ی اصلی مسیرهای صادرات انرژی کشورهای منطقه و بهویژه ترکمنستان است. چنین وضعیتی ابزارهای سیاسی برای مسکو فراهم نموده تا موقعیت خود را در منطقه تقویت نماید (کازیکاو و کالی یوا، ۲۰۰۴: ۳)؛ مسئله‌ای که به نگرانی دائمی ترکمن‌ها تبدیل شده است.

از سوی دیگر، افزایش همکاری‌های دوجانبه‌ی میان ایران و ترکمنستان، بهویژه در زمینه‌ی ترانزیت انرژی، به‌طور طبیعی از دامنه‌ی فرصت‌های ژئوپلیتیکی روسیه در این کشور خواهد کاست؛ مسئله‌ای که به‌هیچ عنوان مطلوب نظر روسیه نخواهد بود. بنابراین، ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روسیه در نگاه ترکمن‌ها، تأثیر غیرقابل انکاری بر رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در برابر ایران بر جای خواهد گذاشت. اما از سوی دیگر، چنین وضعیتی می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر در بهبود روابط دو کشور ایران و ترکمنستان نقش‌آفرینی نماید؛ چرا که بهره‌برداری از مزیت‌های جغرافیایی ایران برای ترکمنستان که خواستار کاهش وابستگی ژئوپلیتیکی خود به روسیه است می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود.

نیاز ترکمنستان به مسیر ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد

درک رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان بدون در نظر گرفتن محصور بودن این کشور در خشکی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد؛ چه به‌زعم میرحیدر (۱۳۸۱: ۹۵) کشورهای محصور در خشکی برای غلبه بر نارسایی‌های ارتباطی خود، در وهله‌ی اول باید با کشورهای دریایی همسایه‌ی خود، رابطه‌ای خوب داشته باشند. سپس، از راههای مناسب و جایگزین برای رسیدن به دریا استفاده کنند. مشکل دیگر که کشورهای محصور در خشکی دارند، وجود این حالت روانی است که همیشه خود را به یک کشور معبر وابسته می‌دانند.

کشورهای محصور در خشکی برای دسترسی به دریا هیچ راهی جز عبور از سرزمین کشور دیگری که بر سر راه آنها واقع شده، ندارند. اگر دولت معتبر دارای راههای پیشرفته و

تسهیلات بندری کافی باشد و رفتاری دوستانه و توأم با همکاری در پیش بگیرد، مسأله‌ای به وجود نمی‌آید؛ ولی اغلب مشاهده می‌شود که عبور مستلزم پرداخت عوارض سنگین بوده، به دلیل موانع مختلف به حالت تعلیق در می‌آید و در نتیجه، باعث انزاوی کشور محصور در خشکی می‌شود (همان: ۱۱۵-۱۱۶).

مسأله‌ی دیگر تعداد همسایگان دریایی است که کشور محصور در خشکی را احیاناً در انتخاب راه برای دسترسی به دریا کمک می‌کنند. بدیهی است که هر چه یک دولت بدون ساحل با کشورهای دریایی بیشتری هم‌جوار باشد، راحت‌تر می‌تواند از تسهیلات آنها استفاده کند و در انتخاب راه خروجی خود نیز آزادی عمل خواهد داشت. مسأله‌ی مهم‌تر، مسافت و طبیعت سرزمینی است که میان هسته‌ی اقتصادی یک کشور محصور در خشکی و مناطق هسته‌ای کشورهای همسایه، یا یک بندر خوب دریایی قرار دارد.

ترکمنستان با توجه به هم‌جواری با ایران از این حیث از امتیاز ویژه‌ای نسبت به سایر کشورهای آسیای مرکزی برخوردار می‌باشد؛ چرا که چهار کشور دیگر آسیای مرکزی تنها از طریق افغانستان – پاکستان و بخش غربی نسبتاً عقب‌مانده‌ی چین با جهان خارج تماس دارند، این در حالی است که ترکمنستان با عبور از خاک یک کشور (یعنی ایران) می‌تواند به راحتی به ترکیه و آب‌های گرم جنوب متصل شود. بنابراین، بهترین و مناسب‌ترین مسیر سایر کشورهای آسیای مرکزی با توجه به دوری مسیر چین و بی‌ثباتی مسیر افغانستان – پاکستان، مسیر ایران است. به‌ویژه این‌که، اتصال راه‌آهن سراسری ایران به شبکه‌ی راه‌آهن آسیای مرکزی با افتتاح راه‌آهن مشهد – سرخس – تجن و خط آهن بافق – بندرعباس و سرماهه‌گذاری‌های عظیم ایران در زیربناهای حمل و نقل، مانند پایانه‌ها، بنادر، راه‌آهن، شبکه‌ی راه‌های زمینی ارتباطی، انبارها، سردهخانه‌ها، گذرگاه‌های مرزی، توسعه‌ی گمرگ و موارد دیگری از این قبیل، امکانات ارتباطی گستردۀ‌ی را برای این کشورها در ارتباط با جهان خارج فراهم آورده؛ امکاناتی که سال‌های متمادی است که کشورهای آسیای مرکزی در آرزوی دستیابی به آن هستند (امیراحمدیان، ۱۳۸۰: ۱۴۴). به علاوه، وجود چند بازارچه‌ی مرزی در مرز دو کشور، ارتباطات تجاری بین دو کشور را تسهیل می‌کند. عضویت دو کشور در سازمان همکاری‌های اقتصادی

(اکو) نیز عامل دیگری است که می‌تواند در روابط دو کشور تأثیرگذار باشد. مبادلات تجاری بین ایران و ترکمنستان در سال ۲۰۰۸ بیش از ۲/۹ میلیارد بوده که نسبت به سال قبل از آن بالغ بر ۵۳ درصد رشد داشته است؛ به‌گونه‌ای که ایران بعد از روسیه دومین شریک تجاری ترکمنستان به شمار می‌رود (عطایی و عزیزی، ۱۳۸۹: ۸۲).

به نظر می‌رسد نیاز ترکمنستان به راههای مواسلاتی ایران، در حال حاضر قطعی و ضروری است و همین امر موجب می‌شود، سران این کشور ملاحظات جمهوری اسلامی ایران را تا حدود زیادی در سیاست خارجی خود در نظر بگیرند.

روابط اجتماعی و فرهنگی دو ملت

سرزمینی که هم‌اکنون جمهوری ترکمنستان در آن قرار گرفته است، مشترکات تاریخی و فرهنگی دیرینه‌ای با کشور ما دارد. از طرفی، قابلیت‌های توریستی دشت ترکمن و استان‌های شمالی کشور به‌ویژه قرار گرفتن آرامگاه مختوم «قلی» شاعر و فهرمان اسطوره‌ای ترکمن‌های جهان، در روستای مرزی «آق توته»، می‌تواند باعث تقویت و گسترش روابط اجتماعی – فرهنگی ترکمنستان با استان‌های خراسان شمالی، خراسان رضوی و گلستان، شود. همچنین، تشابه فرهنگی و زبانی مردم ترکمنستان با ترکمن‌های ایران و امکان بهره گرفتن از روحانیان ترکمن ایرانی جهت پاسخگویی به نیازهای دینی مردم ترکمنستان، از دلایل گرایش مردم ترکمنستان به برقراری روابط صمیمانه با ایران بهشمار می‌روند. تأکید بر این مشترکات می‌تواند تأثیر مثبتی بر رفتار ترکمنستان در برابر ایران بر جای گذارد. در حال حاضر، روابط مردم دو کشور در سطح بالایی قرار دارد و به رغم هجمه‌های عملیات روانی غرب علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در رسانه‌های این کشور، ترکمن‌ها به دیده‌ی احترام به ایرانیان می‌نگرند.

دین و مذهب

مردم ایران و ترکمنستان از لحاظ دینی تجانس و اشتراک بسیاری دارند. هم‌اکنون، اعیاد اسلامی فطر و قربان به عنوان مظہری از وحدت مسلمانان جهان در دو کشور جشن گرفته می‌شود. با این وجود، مردم دو کشور از لحاظ مذهبی با یکدیگر تفاوت دارند؛ در حالی که،

ایرانی‌ها عمدتاً شیعه مذهب‌اند، ترکمن‌ها دارای مذهب سنی حنفی هستند. در این ارتباط، «گراهام فولر» (۱۳۷۷: ۲۰۵) می‌نویسد:

«به‌جز آذربایجان شوروی، اغلب مسلمانان اتحاد شوروی سنی هستند. آنها به ایران به مثابه تنها کانون علائق مذهبی احیا شده خویش نمی‌نگردند، بلکه فقط در مقام نمادی از نحوه برخورد با یک ابرقدرت است که ایران را تنها قطب جاذبه می‌یابند.»

هر چند اشتراکات دینی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تحکیم روابط فیما بین ایفا نماید. اما از سوی دیگر، اختلافات مذهبی میان دو کشور نیز می‌تواند در جهت تضعیف روابط طرفین مورد بهره‌برداری بیگانگان قرار گیرد. علاوه بر این، تأکید دولت ترکمنستان بر جدایی دین از سیاست و انتخاب نظام حکومتی لائیک در ماده‌ی یازده قانون اساسی ترکمنستان (روشن‌دل و قلی پور، ۱۳۷۸: ۱۴۶) که مطلوب نظر قدرت‌هایی همچون روسیه، امریکا، ترکیه و بهویژه رژیم صهیونیستی نیز می‌باشد، می‌تواند تأثیری منفی بر روابط دو کشور بر جای گذارد.

صادرات گاز ترکمنستان به ایران

در شرایطی که جمهوری ترکمنستان به شدت تلاش می‌کرد که با توجه به مشکلات پیش آمده در جریان صدور گاز به کشورهای همسود و سوءاستفاده‌های روسیه، مسیر و بازار جدیدی را برای خود ایجاد نماید، مذاکرات خرید گاز دو کشور در دوره‌ی ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی آغاز شد. پس از توافقات صورت گرفته و با احداث یک خط لوله ۱۹۰ کیلومتری به قطر ۴۰ اینچ، صادرات گاز ترکمنستان به ایران در سال ۱۳۷۶ ه.ش. آغاز شد. «نیازوف» در کنفرانس نفت و گاز عشق‌آباد در سال ۲۰۰۱، احداث این خط را «دستاوردهای ارزشمند و حادثه‌ای تاریخی» خواند. اگر چه، سران ترکمنستان در دو مرحله یعنی سال‌های ۱۳۸۴ و اواسط زمستان بسیار سرد سال ۱۳۸۶ صادرات گاز به ایران را قطع کردند، اما این اقدام به زعم آنها صرفاً جنبه‌ی اقتصادی داشت و از سوی ایران نیز نوعی اعتراض شدید به قیمت پایین گاز تعییر شد؛ چه این‌که «سید رضا کساپی‌زاده» رئیس شرکت ملی نفت ایران اعلام نمود: «ایران به عنوان یکی از بزرگترین کشورهای صادرکننده‌ی نفت و گاز، سیاست

خود را بر اساس گرایش‌ها در بازار جهانی پایه‌گذاری می‌کند و موضع ترکمنستان را کاملاً قابل پذیرش می‌داند».

پس از فروکش نمودن بحران در روابط گازی ترکمنستان و ایران که با قطع صدور گاز ترکمنستان در تاریخ ۹ دی ماه سال ۱۳۸۶ ه.ش. شروع شد، سران دو کشور به توافق رسیدند عشق‌آباد نرخ گاز را به ۱۳۰ دلار به ازای هر هزار متر مکعب در نیمه‌ی اول و ۱۵۰ دلار در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۷ برسانند و بدین ترتیب بود که ترکمنستان از ۶ اردیبهشت سال ۱۳۸۷ ه.ش. صادرات گاز به ایران را مجدداً از سر گرفت.

اگر چه قطع گاز در اوج سرمای زمستان سال ۱۳۸۶ ه.ش. منجر به تیرگی روابط دو کشور برای مدتی شد. اما، با توجه به این‌که صادرات گاز از این مسیر توان چانه‌زنی عشق‌آباد در برابر مسکو را ارتقا می‌بخشد، ترکمنستان همچنان علاقه‌مند به افزایش صادرات خود از این مسیر و تعامل سازنده با ایران خواهد بود؛ چه این‌که در سال ۱۳۸۵ ه.ش. سران دو کشور درباره‌ی عقد قرارداد افزایش صادرات گاز ترکمنستان به ایران از ۸ میلیارد متر مکعب به دست کم ۱۴ میلیارد متر مکعب در سال توافق کردند. این قرارداد همچنین ناظر به واردات روزانه ۴۰ هزار بشکه‌ی نفت خام ترکمنستان از بنادر شمالی و پالایش آن و کسر هزینه‌های پالایش فرآورده‌های نفتی برای صادرات دوباره‌ی آن با ارزش افروده است.

وزن ژئوپلیتیکی ترکمنستان در مقایسه با ایران

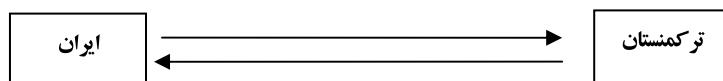
نگاهی گذرا به مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده وزن ژئوپلیتیکی دو کشور ترکمنستان و ایران، حاکی از این است که وزن ژئوپلیتیکی ترکمنستان در بسیاری از پارامترها در مقایسه با وزن ژئوپلیتیکی ایران در سطح بسیار نازلی قرار دارد. ایران با دارا بودن وسعت بیشتر، آب و خاک و اقلیم مناسب‌تر، جمعیت کمی و کیفی بیشتر، منابع انرژی فسیلی فراوان‌تر، دسترسی به آب‌های آزاد، عمق راهبردی مناسب‌تر، وضعیت اقتصادی مطلوب‌تر، قدرت نظامی بسیار توانمندتر، راههای ارتباطی بیشتر، توان علمی بالاتر و ...، در مقایسه با جمهوری تازه استقلال‌یافته‌ی ترکمنستان، بدون تردید، از وزن و منزلت ژئوپلیتیکی بسیار بالاتری برخوردار

است. با این وجود، لازم است بین قدرت بالقوه و قدرت بالفعل نیز تفاوت قائل شد؛ چرا که قدرت واقعی نه تنها به ابزار مادی بستگی دارد، بلکه به توانایی‌های لازم برای کسب حمایت‌های سیاسی در عرصه‌ی بین‌الملل نیز نیازمند است. برای مثال، حتی حمایت معنوی امریکا از کشورهای آسیای مرکزی توان چانه‌زنی این کشورها را در مقابل سایر بازیگران منطقه‌ای به‌ویژه ایران به میزان قابل ملاحظه‌ای ارتقا می‌بخشد.

بررسی تأثیر این مؤلفه بر رفتار عشق‌آباد در برابر تهران، از دو زاویه قابل ارزیابی است: اول این‌که، ترکمنستان با توجه به قدرت ملی ضعیفتر نسبت به ایران ناچار است برخی از ملاحظات جمهوری اسلامی ایران را در سیاست خارجی خود در نظر بگیرد. از جهت دیگر، ممکن است این هراس را در ذهن ترکمن‌ها ایجاد کند که ایران با توجه به قدرت ملی برتر و موقعیت ترانزیتی فوق العاده خود، توانایی تحت فشار قرار دادن ترکمنستان را در آینده به دست خواهد آورد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن تمامی عوامل، ویژگی‌ها، ملاحظات و تنگناهای ژئوپلیتیکی ترکمنستان در سه مقیاس ملی، منطقه‌ای و جهانی، این کشور تلاش خواهد نمود رابطه‌ای مسالمت‌جویانه و تعاملی با ایران (مدل شماره‌ی ۱) در پیش بگیرد. با این وجود، موضع این کشور در برخی مسائل اساسی به‌ویژه ترانزیت انرژی و رژیم حقوقی خزر مطابق با منافع ملی ایران نخواهد بود.



مدل شماره‌ی ۱- الگوی رابطه تعاملی ترکمنستان و ایران

ترکمنستان، با وجود موقعیت مناسب ترانزیتی ایران، مسیر ایران را عمدتاً به دلیل فشارهای ژئوپلیتیکی امریکا و روسیه برای انتقال انرژی به جهان خارج انتخاب نخواهد کرد. به عبارتی، در سطح منطقه‌ای چنان‌چه خط لوله‌ای از ایران عبور نماید، ضمن شکسته شدن

موقعیت انحصاری روسیه، به طور طبیعی از دامنه‌ی فرصت‌های سیاسی و اقتصادی این کشور در منطقه‌ی آسیای مرکزی به شدت کاسته خواهد شد؛ مسئله‌ای که خوشایند روسیه نیست و فشارهای مسکو بر ترکمنستان طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی شاهد بزرگ این ادعاست. در مقیاس بین‌المللی نیز پیگیری سیاست‌های ضدایرانی واشنگتن، رفتار ترانزیتی ترکمنستان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که تا زمانی که مخالفت‌های واشنگتن با نقش آفرینی ترانزیتی تهران ادامه پیدا کند، ترکمنستان به سختی خواهد توانست انرژی خود را از مسیر ایران به بازارهای جهانی عرضه کند.

جمهوری ترکمنستان در مسئله‌ی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، موضعی ناهمسان با موضع جمهوری اسلامی ایران در پیش خواهد گرفت. چنین رفتاری در سه مقیاس قابل تحلیل است. در مقیاس ملی منافع ترکمنستان ایجاد می‌کند که تقسیم سواحل دریا براساس خط میانی را بپذیرد؛ چرا که طول و شکل سواحل ایران و ترکمنستان به‌گونه‌ای است که در صورت تحقق دیدگاه ایران (سهم ۲۰ درصدی از دریا)، آنگاه عشق‌آباد باید از قسمتی از قلمرو ۱۹ درصدی خود که البته دارای ذخایر نفت و گاز نیز می‌باشد چشم‌پوشی نماید. این تضاد منافع چشمگیر عامل اصلی ناهمگونی دیدگاه دو کشور در مسئله‌ی رژیم حقوقی خزر به شمار می‌رود. در این مقیاس، همچنین، نیاز ترکمنستان به بهره‌برداری سریع از منابع فسیلی دریای خزر در راستای تحکیم استقلال اقتصادی، به‌ویژه با توجه به بهره‌برداری آذربایجان از منابع انرژی دریا، بر تعجیل ترکمنستان در تقسیم دریا تأثیرگذار بوده است.

در مقیاس منطقه‌ای می‌توان به نفوذ ژئوپلیتیکی روسیه در مسئله‌ی تعیین رژیم حقوقی خزر اشاره کرد. تغییر موضع روسیه به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر مسائل این دریا نقش غیرقابل انکاری در تغییر دیدگاه ترکمنستان بر جای گذاشته است.

در مقیاس بین‌المللی، وابستگی اقتصادی ترکمنستان به امریکا و شرکت‌های سرمایه‌گذار غرب که به عنوان بازیگران ششم دریا شناخته می‌شوند، رفتار این کشور را در موضوع رژیم حقوقی دریای خزر تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ملاحظات و عوامل دیگری نیز بر رفتار تعاملی ترکمنستان در قبال ایران در سه مقیاس ملی، منطقه‌ای و جهانی اثرگذار است که عبارتند از:

مقیاس ملی:

- ۱) **وابستگی ترکمنستان به منابع آب ایران:** از منظر هیدرولیتیک، این عامل تأثیر مثبتی بر رفتار ترکمنستان در قبال ایران بر جای خواهد نهاد.
- ۲) **پیوستگی و هم جواری جغرافیایی:** این واقعیت جغرافیایی لایغیر اقتضا می‌کند که ترکمنستان راه مسالمت‌آمیز و همکاری به جای تنش و تعارض را در پیش بگیرد.
- ۳) **اختلافات پنهان ارضی:** ترکمنستان با هراس از طرح ادعای ایران نسبت به روستای فیروزه در آینده، در این خصوص رفتاری محافظه‌کارانه در برابر کشور ما اتخاذ خواهد نمود.
- ۴) **ضعف ژئواستراتژیک ترکمنستان در برابر ایران:** این مسئله به طور ناخود آگاه سبب می‌شود عشق‌آباد ملاحظات ژئواستراتژیک تهران را تا حد زیادی در نظر بگیرد.
- ۵) **ترکمن‌های ایران:** همانکنون روابط نزدیکی بین ترکمن‌های دو سوی مرز برقرار است. نکته‌ی قابل تأمل این که به رغم تاکید افراطی نیازوف بر هویت ترکمنی خود، هرگز ادعای فرامرزی قومی در مورد ترکمن‌های ایران بیان نکرد (جوکار، ۱۳۸۵).
- ۶) **کارکرد مرز و امنیت متقابل:** از منظر ژئوپلیتیک تروریسم، و مواد مخدر و جنایت‌های بین‌المللی، منافع مشترک دو کشور در این مورد می‌تواند تأثیر مثبتی بر رفتار ترکمنستان در برابر ایران بر جای گذارد.

- ۷) نیاز ترکمنستان به مسیر ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد: یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار مسالت‌جویانه‌ی عشق‌آباد در برابر تهران است.
- ۸) روابط اجتماعی و فرهنگی دو ملت: تأکید بر اشتراکات فرهنگی و تاریخی می‌تواند تأثیر مثبتی بر رفتار ترکمنستان در برابر ایران بر جای گذارد.
- ۹) دین و مذهب: نقش دوگانه‌ای ایفا می‌نماید؛ اما تأثیرات مثبت آن بیشتر است.
- ۱۰) صادرات گاز ترکمنستان به ایران: یکی از عوامل تحکیم و تقویت روابط دو کشور بهشمار می‌رود.
- ۱۱) وزن ژئوپلیتیکی ترکمنستان در مقایسه با ایران: نقش دوگانه‌ای ایفا می‌نماید؛ اما تأثیرات مثبت آن به مراتب بیشتر است.

مقیاس منطقه‌ای:

- ۱) وابستگی ستی ترکمنستان به روسیه: این عامل نقش دوگانه‌ای ایفا می‌نماید، اما تأثیرات منفی آن به مراتب بیشتر است.
- ۲) تلاش‌های چین برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی خود و همچنین یافتن بازارهای جدید، نیاز ترکمنستان به مسیرهای ایران برای واردات کالا و یا ترانزیت انرژی را کاهش می‌دهد.

مقیاس بین‌المللی:

- ۱) گسترش ناتو به شرق و حضور و نفوذ نیروهای نظامی امریکا: نقش کاملاً منفی بر رفتار ترکمنستان در برابر ایران بهویژه در حوزه‌های امنیتی بر جای خواهد گذاشت.
- ۲) حضور و نفوذ اقتصادی آمریکا، رژیم صهیونیستی و شرکت‌های فرامنطقه‌ای: نقش کاملاً منفی بر رفتار ترکمنستان در برابر ایران بهویژه در حوزه‌ی سیاست ترانزیتی بر جای می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در برابر ایران در حیطه‌ی رابطه‌ی تعاملی و مسالمت‌جویانه قابل ارزیابی است؛ در الگوی مسالمت‌جویانه و بر پایه‌ی بدنه بستان داوطلبانه و سوداگری

خودانگیخته و یا به عبارتی وابستگی متقابل، بازیگران سعی دارند مزیت‌های مکانی و فضایی خود که ناشی از کارکرد آنهاست با یکدیگر معاوضه نمایند. ایران و ترکمنستان مکمل‌های ژئوپلیتیک یکدیگرند؛ به این معنا که ترکمنستان تنها کشور آسیای مرکزی است که می‌تواند از مسیر یک کشور (ایران) به آب‌های گرم جنوب دسترسی پیدا کند و از طرف دیگر، ترکمنستان تنها پنجه و منفذ ورود ایران به منطقه‌ی بزرگ آسیای مرکزی است. رابطه‌ی دوستانه‌ی ترکمنستان با ایران به طور سنتی از زمان ریاست «صرف مراد نیازف» رئیس جمهور پیشین ترکمنستان وجود داشته است. روند رو به رشد توسعه‌ی روابط بین این دو در دهه‌ی گذشته و ثبات همراه با آرامش راهبردی در مرزها، دلایل ملموسی برای اثبات این ادعاست.

تحلیل دقیق‌تر رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در قبال ایران و پیش‌بینی آن در سه مقیاس قابل ارزیابی است. در مقیاس بین‌المللی، نوع مناسبات عشق‌آباد – واشنگتن و عشق‌آباد – مسکو نقش بسیار تأثیرگذاری بر رفتار جمهوری ترکمنستان در برابر جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌نماید. برای مثال، تشدید وابستگی‌های اقتصادی، صنعتی و فناورانه‌ی ترکمنستان به غرب و همچنین تداوم وابستگی سنتی ترکمنستان به روسیه، تأثیری منفی بر رفتار این کشور در برابر ایران بر جای خواهد نهاد. همچنین، تحول در روابط ژئوپلیتیکی بازیگران اصلی درگیر در صحنه‌ی ترکمنستان، به‌ویژه روسیه و امریکا نیز می‌تواند رفتار ترکمنستان در برابر کشور ما را به شکل بنیادینی متحول نماید. اما در صورتی که روابط روسیه و ایالات متحده آمریکا در «بازی بزرگ جدید» خصم‌مانه شود، کشور ایران با بهره‌گیری از رقابت این دو قدرت، بهتر و راحت‌تر می‌تواند اهداف مورد نظر خود را در منطقه‌ی خزر – آسیای مرکزی و به‌ویژه در جمهوری ترکمنستان پیگیری نماید.

در مقیاس منطقه‌ای، نوع تعامل کشورها در مسأله‌ی تقسیم آب، یا تعیین مسیرهای ترانزیت انرژی (ژئوپلیتیک لوله‌های نفت و گاز)، ژئوپلیتیک تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرایم بین‌المللی، و مسائلی از این قبیل که عمدتاً دارای بازنمایی منطقه‌ای می‌باشد، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رفتار ژئوپلیتیکی ترکمنستان در برابر ایران بر جای می‌گذارد. به عنوان مثال،

چنان‌چه درگیری بر سر آب در آسیای مرکزی تشدید شود، آن‌گاه نیاز آبی ترکمنستان به رودهایی که از ایران به این کشور وارد می‌شود بیشتر خواهد شد.

در مقیاس محلی و ملی، نگرش مردم ترکمنستان نسبت به ایرانیان نقش بلا منازعی در تعیین نوع رابطه‌ی عشق‌آباد در برابر تهران ایفا خواهد نمود. رفتار سوداگرانه و نسنجیده‌ی برخی از تجار ایرانی فعال در ترکمنستان می‌تواند نقش مخربی بر رابطه تعاملی دو کشور وارد نماید.

در مجموع، با در نظر گرفتن تمامی فرصت‌ها و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر رفتار ترکمنستان در برابر ایران، می‌توان چنین استدلال نمود که این کشور در روابط خود با ایران نگاهی احترام‌آمیز و توأم با احتیاط را در پیش گرفته است. به عبارتی، تا حدی ملاحظات جمهوری اسلامی ایران را در سیاست خارجی خود لحاظ می‌نماید که از سوی تهران تحت فشار قرار نگیرد و در عین حال قادر به بهره‌برداری از مزیت‌های جغرافیایی بی‌شمار ایران نیز باشد؛ رفتاری که می‌توان آن را به تاختن اسب روی لبه‌ی تیغ تشبیه نمود.

قدردانی

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «ژئوپلیتیک ترکمنستان و رفتار سیاسی مترتب از آن در قبال ایران» است. از این رو، نگارنده از حمایت‌های دانشگاه تهران و دانشکده‌ی جغرافیای آن دانشگاه قدردانی به عمل می‌آورد.

منابع

فارسی

- ۱- استار، فردیک، (۱۳۷۶)، «شکست قدرت، سیاست آمریکا در دریای خزر»، تهران، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، شماره ۱۸.
- ۲- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۰)، «ایران و دریای خزر در چشم‌اندازی ژئوپلیتیک»، تهران، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵.
- ۳- آروانیتوپلس، کنستانتنین، (۱۳۸۱)، «ژئوپلیتیک نفت در آسیای میانه»، ترجمه علیرضا فرشچی، تهران، فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی، سال اول، شماره ۱.
- ۴- آلیکر، اولگا و ساینا، (۱۳۸۲)، «گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۵- برادن، کتلین و شلی (۱۳۸۳)، «ژئوپلیتیک فراگیر»، ترجمه علیرضا فرشچی و رهنما، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ.
- ۶- ترکزاده، بهروز، (۱۳۸۲)، «امتیت در دریای خزر»، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۳.
- ۷- پیشگاهی فرد، زهرا و جنیدی، رضا، (۱۳۸۹)، «استراتژی روسیه در آسیای مرکزی و چالش‌های فراروی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲.
- ۸- چینگ، جائوچانگ و همکاران، (۱۳۷۹)، «چین و آسیای مرکزی»، ترجمه محمد جواد امیدوارنیا، موسسه مطالعات دریای خزر، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۹- جوکار، صادق، (۱۳۸۵)، «پیامدهای مرگ ترکمن باشی در منطقه آسیای مرکزی»، تهران، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، سال اول، شماره یازدهم.
- ۱۰- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، مشهد، انتشارات پاپلی.
- ۱۱- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی ایران»، تهران، انتشارات سمت.

- ۱۲- حیدری، محمد علی، (۱۳۸۲)، «امتیت در آسیای مرکزی و قفقاز: تعامل اقتصاد و سیاست در سطح ملی، منطقه ای و بین‌المللی»، تهران، ماهنامه گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی راهبردی نگاه، سال چهارم، شماره ۲۸.
- ۱۳- دهقان طرزجانی، محمود، (۱۳۷۸)، «اولویت‌ها و منابع تهدید منافع ملی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، تهران، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱ و ۲.
- ۱۴- رویان، لاریسا، (۱۳۸۳)، «ویزگی‌های ژئوپلیتیکی و نظامی امنیتی قفقاز و منطقه دریای خزر از دیدگاه امنیتی»، ترجمه قاسم ملکی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۵- روشنلی، جلیل و قلی پور، (۱۳۷۸)، «سیاست و حکومت در ترکمنستان»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۶- سیانی، حیدر، (۱۳۹۰)، هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری‌های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، صص ۲۱۱-۲۸۵.
- ۱۷- عزت‌الله، عزت‌الله، (۱۳۸۳)، «جاگاه خاورمیانه در تحولات ژئوپلیتیک قرن ۲۱ با تکیه بر خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران»، (مجموعه مقالات امنیت بین‌الملل)، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۸- عسگری خانقا، اصغر و کمالی، (۱۳۷۴)، «ایرانیان ترکمن: پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی»، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۱۹- عطایی، فرهاد و عزیزی، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، «نقش عامل انرژی در روابط ایران و ترکمنستان»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال اول، شماره ۳.
- ۲۰- عطایی، فرهاد و شجاعی، (۱۳۸۹)، «تاکو و تغییر در سیاست داخلی و خارجی ترکمنستان در دوره قربان قلی بودی محمد اف»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۶.
- ۲۱- عیسی‌زاده، اکبر، (۱۳۸۳)، «گاهی به روند صادرات گاز ترکمنستان و نقش جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۶، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۲- فولر، گراهام، (۱۳۷۷)، «ژئوپلیتیک ایران»، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
- ۲۳- کازیکا و کالیوا، (۱۳۸۳)، «وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه خزر»، ترجمه: رضا جنیدی، فصلنامه آران، سال دوم، شماره ۵.
- ۲۴- کریمی پور، یدا...، (۱۳۷۹)، «مقدمه ای بر ایران و همسایگان: منابع تنفس و تهدید»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- ۲۵- کلاوسون، پاتریک، (۱۳۷۸)، «تحریم‌های آمریکا علیه ایران»، ترجمه حسین محمدی نجم، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ.
- ۲۶- کولاوی، الهه، (۱۳۸۹)، «نقش انتقال انرژی در روابط ترکمنستان با روسیه»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۷.
- ۲۷- کافمن، ادوارد، (۱۳۸۳)، «استراتژی آمریکا در جنگ‌های رسانه ای»، ترجمه بای نادعلی و رضایی خاچکی فاطمه، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، شماره چهارم.
- ۲۸- لاکست، ایو و زیبلن (۱۳۷۸)، «عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک»، ترجمه دکتر فراتی علی، تهران، نشر آمن.

- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، «رژیم حقوقی دریای خزر، تصویری ژئوپلیتیکی از مانعی در راه همکاری های منطقه ای»، تهران، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال پانزدهم، شماره پنجم و ششم.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۲)، «منیت آسیای باختربی: شکل گیری طرح های توین آمریکایی»، تهران، ماهنامه گزارش ها و تحلیل های نظامی - راهبردی نگاه، سال چهارم، شماره ۲۹.
- محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۲)، «چالش های ژئوپلیتیکی ایران در محیط پیرامونی دریای خزر»، تهران، ماهنامه گزارش ها و تحلیل های نظامی - راهبردی نگاه، سال چهارم، شماره ۳۹.
- ملکی، عباس، (الف)، آیا دریای خزر همچنان برای همه بازیگران مهم است، تهران، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۳.
- ملکی، عباس، (ب)، دریای خزر و خصوصیات های زیست محیطی: هماهنگی برای مقابله با مشکلات، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ملکی، عباس، (۱۳۷۱)، «مرز های شمال شرقی ایران، از خزر تا سرخس»، تهران، وزارت امور خارجه.
- میرحیدر، دره، (۱۳۸۱)، «مبانی جغرافیای سیاسی»، تهران، انتشارات سمت.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۲)، «بررسی ماهیت قدرت سیاست خارجی آمریکا»، قم، دفتر نشر معارف.

انگلیسی

- 37- Erica, Johnson and Glinchey, Erich Mac (2005), "Foreign Aid and ICT Policy in Central Asia", Paper Presented at the Annual Meeting of the American Political Science Association.
- 38- Commission on Security and Cooperation in Europe,(May 11, 2004), "Religious Freedom in Turkmenistan".
- 39- Ferrari, Bruno, (2003), Geopolitics – a critical assessment of the new "Great Game" in and around the Caspian Sea.
- 40- Kozhikov and D. Kaliyeva, (2004), the military political situation in the caspian region.
- 41- Nichol, Jim, (2003), Central Asian New State: Political Developments and Implications for U.S interests.
- 42- Olcott, Martha Brill(2006), "International Gas Trade in Central Asia: Turkmenistan, Iran, Russia and Afghanistan", Natural Gas and Geopolitics from 1970 to 2040, New York: Cambridge university press.
- 43- Tsygankov, Andrei. P, 2005, New Challenges for Putin's Foreign Policy, Published by Elsevier Limited on behalf of Foreign Policy Research Institute.

